

قیمت مواد غذایی

از بحران تا ثبات

در روز جهانی غذا در سال ۲۰۱۱

بررسی دلایل افزایش قیمت مواد غذایی و آنچه که باید برای کاهش تأثیرات سوء آن بر

ضعیف ترین اقشار جامعه جهانی انجام داد

قیمت مواد غذایی

قیمت مواد غذایی اساسی در دنیا طی سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸ به بالاترین میزان در سی سال اخیر خود رسید. در ۱۸ ماه آخر آن دوره، قیمت ذرت ۷۴ درصد افزایش و قیمت برنج تقریباً سه برابر شد و در کل با ۱۶۶ درصد افزایش روبرو گردید. در بیش از ۲۰ کشور، مبارزاتی برای تأمین مواد غذایی بوقوع پیوست. سرمقاله نویس های روزنامه ها خواستار پایان بخشیدن به مواد غذایی ارزان قیمت شدند. ولی پس از اوج قیمت در ژوئن ۲۰۰۸، قیمت ها مجدداً تنزل یافت (۳۳ درصد کاهش در ظرف ۶ ماه) و بعنوان یک بحران مالی و بانکی بزرگ، اقتصاد جهان را به رکود کشانید. البته این رکود دوام زیادی نداشت. در سال ۲۰۱۰ قیمت غلات مجدداً ۵۰ درصد افزایش پیدا کرد و تا سال ۲۰۱۱ قبل از شروع به افت قیمت در سه ماهه دوم سال ۲۰۱۱، همچنان ادامه یافت. و بدین ترتیب آینده این نوسان های قیمتی سؤال برانگیز شد.

اقتصاد دانان معتقدند اینگونه نوسان قیمت که از سال ۲۰۰۶ با آن روبرو شدیم، احتمالاً در سالهای آتی تکرار خواهد شد، به معنی دیگر عدم ثبات قیمت مواد غذایی (اصلاح فنی این پدیده) همچنان ادامه خواهد داشت. البته این مسئله خبر خوشایندی نیست. تغییر قیمت ها، بویژه افزایش آن، امنیت غذایی رادر کشورهای در حال توسعه به مخاطره می اندازد. بزرگترین ضربه به قشر فقیر. بر اساس نظریه بانک جهانی، در سال ۱۱-۲۰۱۰، بالارفتن هزینه تامین مواد غذایی موجب تشدید فقر در زندگی حدود ۷۰ میلیون نفر از مردم خواهد شد.

قیمت مواد غذایی – از بحران تا ثبات

موضوع قیمت مواد غذایی – از بحران تا ثبات بعنوان شعار روز جهانی غذا در سالجاری انتخاب شده تا بدینوسیله بتوان بر روی این موضوع و آنچه که می توان در جهت مبارزه با تأثیرات آن در زندگی اقشار آسیب پذیر انجام داد، توجه بیشتری نمود. در کشورهای وارد کننده کامل مواد غذایی، این نوسان ویا افزایش ها، بالطبع با رسانیدن مواد غذایی وارداتی به قیمت گران تر به دست مصرف کننده که بیشتر از اقشار تهیدست هستند، به این قشر آسیب جدی وارد می سازد. در سال ۲۰۱۰ در کشورهای کم درآمدی که با کمبود مواد غذایی روبرو هستند (LIFDCS) حدود ۱۶۴ میلیارد دلار آمریکا صرف واردات مواد غذایی شد. این رقم حاکی از افزایش ۲۰ درصد نسبت به واردات سال قبل بود. افرادی که با کمتر از ۱/۲۵ دلار آمریکا در روز زندگی می کنند، در زمان بالارفتن قیمت مواد غذایی به دنبال یافتن حتی یک وعده غذا می گردند. در این شرایط، قشر کشاورز بیشترین آسیب را می بیند زیرا آنها باید درآمد حاصل از مواد تولیدی خود را در زمان برداشت محاسبه کنند. اگر قیمت بالاست، تولیدرا بیشتر و در صورت ارزانی، کمتر کشت کنند و هزینه ها را کاهش دهند.

نوسان سریع قیمت

وقوع نوسان های سریع در قیمت ها، انجام محاسبات را نیز با مشکل روبرو می سازد. کشاورزان به راحتی می توانند تولید خود را کم و زیاد کنند و در بازارهای ثابت دوام می آورند، ولی در بازارهای متغییر و پر نوسان حذف می شوند. این مسئله، روند سرمایه گذاری در بخش کشاورزی را تردید برانگیز می سازد.

پس از شناسایی خسارت های ناشی از تغییر قیمت مواد غذایی در زندگی اقشار نیازمند، جامعه بین الملل، به همت کشورهای عضو گروه ۲۰ (G20) در سال ۲۰۱۱ درصد کنترل و مدیریت نوسان در بازارهای مواد غذایی بر آمد ۲۰. کشور اقتصادی بزرگ دنیا با حمایت نیکولاس سارکوزی رئیس جمهور فرانسه موافقت کردند که در استراتژی و راهبردهای مصوب خود، حمایت از کشورها و گروههای آسیب پذیر را در رأس امور قرار دهند.

ویژگی بازارهای جوامع آشفته امروزی، با ویژگی مشخصه ۲۵ سال اخیر در قرن بیستم کاملاً مغایرت دارند.

با توجه به رشد سریع جمعیت (جمعیت جهان در سالهای ۱۹۶۰ - ۲۰۰۰ به دو برابر رسید) وقوع انقلاب سبز به رهبری دکتر نورمن بورلاگ در دهه ۱۹۶۰ و با همکاری وزیر کشاورزی هند M.S.Swaminathan که یکی از اهداف آن عرضه مواد غذایی و تأمین نیازهای روز افزون مردم بود، اهمیت خاصی پیدا کرد.

ریشه اصلی بی ثباتی

عامل اصلی بی ثباتی امروز را باید در قرن گذشته جستجو کرد، زمانی که دست اندرکاران نتوانستند بر رونق تولید بیافزایند و تمایل به کشوری پیدا کردند که به سرمایه گذاری در بخش های تحقیقاتی، فناوری، تجهیزات و امور زیربنایی روی آورده بودند.

از ۱۹۸۰ تاکنون میزان همکاری و سرمایه گذاری بخش دولتی که کشورهای عضو OECD به بخش کشاورزی تخصیص می دادند ۴۳ درصد کاهش یافت. تأمین اعتبار بخش کشاورزی توسط کشورهای غنی و فقیر به اندازه مساوی، تنها دلیل اصلی مشکلات پیش روی ماست.

خبرخوشی که می توان به بازارهای بسته و بی رونق امروزی داد اینست که اقتصادهای در حال ظهور به رشد اقتصادی شتابنده ای رسیده اند، بدین مفهوم که تقاضا برای غذا و نیاز به مواد لبنی بیشتر شده و در نتیجه نیاز به خوراک دام افزایش یافته است. از این روتجارت جهانی کنجاله سویا که یکی از مواد پروتئینی مهم در تغذیه دام است، در بیش از ۱۰ سال گذشته ۶۷ درصد رشد پیدا کرده است.

رشد جمعیت

رشد جمعیت بطوری که تقریباً سالانه ۸۰ میلیون دهان جدید برای غذا به آن اضافه می شود، یکی دیگر از عوامل مهم این نوسانات است. تراکم جمعیت با پدیده های هواشناسی غیرعادی و اغلب شدید ناشی از گرم شدن زمین و تغییر اقلیم همراه می گردد.

یکی از عوامل موثر دیگر ورود سرمایه گذاران عمده با پول هنگفت به بازارهای مواد غذایی است. شواهد نشان می دهد که ممکن است قیمت این مواد تا حدی در نتیجه گمانه زنی بشدت افزایش پیدا کند، که این موضوع جای بحث و توجه زیادی دارد.

نقش سیاست های کلان تجاری بصورت حمایت گرایانه و سیاست های کشاورزی منحرف در این زمینه اخیراً شناسایی شده است. علاوه بر این کشاورزی امروزه تامین کننده بخش اعظم انرژی محسوب می شود و هرگونه تحریک، نظیر عدم آرامش در کشور تولید کننده می تواند بر قیمت مواد غذایی موثر واقع شود.

بنابراین واکنش نسبت به عدم ثبات قیمت مواد غذایی نیازمند اجرای دو اقدام متفاوت است. یکی از این اقدامات معطوف به خود نوسان و عدم ثبات با هدف کاهش نوسانات قیمت ها از طریق برخی مداخلات بوده و اقدام دیگر توجه به مبارزه با تأثیرات سوء این نوسانات بر کشورها واقشار مختلف مردمی دارد.

یکی از اقداماتی که در مورد اول یعنی مداخله به آن متوسل می شوند، ایجاد یک انبار ذخیره بین المللی مواد غذایی است که در اینصورت می توان به تثبیت قیمت ها در بازار مسلط شد. ولی فائو معتقد است که احداث اینگونه انبار ها و ذخیره سازی ها از ارزش مبهم و نامشخصی برخوردار، سؤال برانگیز و هزینه بردار خواهد بود. همچنین مداخله و مشارکت بخش دولتی در بازارهای مواد غذایی، موجب تضعیف بخش خصوصی شده و عامل رقابت را در آنها از بین می برد.

در مورد مواد سوختی

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) سیاستها و یارانه های انحرافی و بازدارنده کنونی در مورد مواد سوختی را مردود شناخته و معتقد است که در بعضی موارد می توان این سیاست ها را انعطاف پذیرتر کرد. سازمان تضمین می کند که این انرژی در این کشورها و با بهترین محصولات تولید می شوند.

برقراری هماهنگی هرچه بیشتر بین سیاست های کلان تجاری بین المللی مواد غذایی از طریق حفظ روند تضمینی کالاها، می تواند به کاهش نوسان قیمت ها کمک کند. در این رابطه فائو معتقد به انجام مذاکرات چند جانبه تحت نظر سازمان تجارت جهانی و حذف یارانه های پیچیده و منحرف کننده کشاورزی در کشورهای ثروتمند است. کشورها نیز لازم است با جلوگیری از اعمال محدودیت های صادراتی (در صورت تهدید عرضه داخلی) موافقت کرده و با به تدوین قوانین لازم الاجرا در این زمینه بپردازند.

بخش تحقیقات فائو معتقد است هر چند گمانه زنی نقشی در نوسان های قیمتی ندارد ولی ایالت متحده آمریکا و اتحادیه اروپا با استفاده از آن به احتمال بهبود یافتن وضعیت بازارهای آینده امیدوارند. لیکن باید مراقب بود، زیرا بازارهای آینده نقش مهمی در جبران مخاطرات حاصل از نوسان قیمت ها و پی آمدهای آنها خواهند داشت، ضمن اینکه سرمایه گذاران نیز به این بخش نقدینگی تزریق می کنند.

شفافیت بازارهای آینده

به منظور ایجاد شفافیت بیشتر در بازارهای آینده لازم است اقدام به کسب اطلاعات بهتر و بیشتر نمود. اینگونه اطلاعات، دولت ها و سرمایه گذاران را از وضعیت بازار و سیاست گذاری ها کاملاً مطلع کرده و از هرگونه واکنش غیر منطقی و مغرضانه در این زمینه جلوگیری می نماید. این مسئله مورد استقبال بسیاری از کشورها قرار گرفته است.

به منظور جلوگیری از تأثیرات سوء نوسان قیمت، می توان با اقدام به ایجاد شبکه های سلامت ملی و منطقه ای و انبارهای ذخیره اضطراری مواد غذایی به عرضه تضمینی این مواد برای تامین نیازهای اقشار آسیب پذیر در زمان بحران کمک نمود. مصرف کنندگان فقیر و نیازمند را می توان بصورت نقدی و یا با دادن کوپن های مواد غذایی مورد حمایت قرار داده و به تولید کنندگان نیز می توان از طریق اختصاص نهاده های چون انواع بذر و آفت کش کمک نمود.

بکار بستن سازو کارهای بازار ی، برای تسویه صورت حسابهای کلان وارداتی کشورهای در حال توسعه کم درآمد بسیار مؤثر است. دولت ها می توانند از طریق برخی تمهیدات مالی افزایش قیمت مواد غذایی حمایت کنند. با اینکار این کشورها حق پیش خرید مواد غذایی به یک قیمت ثابت را حتی ماه ها قبل بدون توجه به تغییر بازار در این فاصله بدست می آورند. در سطح جهانی با ارائه امکانات و تمهیدات اضطراری می توان به کشورهای در حال توسعه کم درآمد کمک نمود. تخصیص امکانات مالی توافقی (نظیر امکاناتی که توسط IMF ارائه شده) به این کشورها کمک می کند تا به رفع مشکلات پرداختی خود که باعث افزایش قیمت در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ گردیده، بپردازند.

در نهایت ثبات بازار مواد غذایی بستگی به افزایش سرمایه گذاری در بخش کشاورزی بویژه در کشورهای در حال توسعه دارد، کشورهایی که ۹۸ درصد از گرسنگی جهان را در خود جای داده و تولید مواد غذایی در آنجا باید تا سال ۲۰۵۰ به دو برابر برسد تا بتوانند نیازهای غذایی جمعیت روزافزون خود را تامین نمایند.

سرمایه گذاری در امور زیر بنایی، نظام های بازار یابی، خدمات ترویجی، اطلاع رسانی و آموزش، همچنین توسعه و تحقیقات در افزایش عرضه مواد غذایی مؤثر و عملکرد بازارهای داخلی محصولات کشاورزی را بهبود می بخشد و منتج به نوسان کمتر در قیمت ها می گردد. در این صورت، بازار به نفع اقشار فقیری که از نوسان قیمت ها متضرر می شوند، فعالیت خواهد کرد.

سرمایه گذاری مورد نیاز در این زمینه حدود ۸۳ میلیارد دلار آمریکا در سال است. با این سرمایه می توان به میلیون ها مردمی که در سراسر دنیا با فقر روبرو هستند کمک کرده و در بلند مدت تثبیت بازار محصولات کشاورزی را میسر ساخت.

فعالیت شبکه های سلامت در مکزیک

دولت مکزیک پس از بحران قیمت مواد غذایی در سال ۲۰۰۸ اقدام به گسترش برنامه های هدفمند و مناسب خود به قصد ارائه نقدینگی به خانوارهای مستمند نمود و این کار را مشروط به حضور کودکان در مدارس و فرصت ویزیت آنها و اعضای خانواده شان در مراکز بهداشتی اعلام کرد..

این برنامه در سال ۱۹۹۷ اجرا شد، زمانی که سیاستگذاران متوجه شدند ارائه یارانه های مواد غذایی، نظیر حمایت از قیمت تورتیلا (نوعی خوراکی) بسیار گران تمام شده و تأثیر چندانی در کاهش فقر اقشار نیازمند نداشته است.

دولت مکزیک بمنظور حمایت از این اقشار در مقابل افزایش قیمت ها، بودجه تخصیص یافته را به برنامه فرصت سازی، از ۳۹ میلیارد به بیش از ۴۲ میلیارد پزو افزایش داد و در طول این برنامه به تعداد افراد ذینفع در این برنامه حدود ۱ میلیون نفر نیز اضافه شد.

خانوارهای واجد شرایط این برنامه براساس معیارهای خاصی انتخاب می شدند. در این برنامه انتقال وجه، بطور سالانه باتوجه به رتبه کسب شده توسط دانش آموز در مدرسه افزایش و همچنین برای دختران در سطح متوسطه میزان بیشتری تخصیص می یافت. این خانوارها امروزه بطور متوسط معادل ۶۶۵ پزو در هر ماه (۵۷ دلار آمریکا) دریافت می کنند.

اگر چه این برنامه بطور کلی مشکل افزایش قیمت مواد غذایی را جبران نمی کرد، ولی از هر ۴ خانوار مکزیکی یک خانواده در بازار مواد غذایی تحت حمایت قرار می گرفتند. این مسئله در بهبود وضعیت بهداشت کودکان و بزرگسالان، سطح تغذیه آنها و همچنین علاقمندی برای ثبت نام در مدارس بسیار موثر بوده است.

افزایش در آمد از طریق تخصیص اعتبار

مطالعه موردی در نیجریه : به منظور افزایش درآمد کشاورزان خرد در آفریقا یک برنامه مالی ابتکاری طرح ریزی شد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت و به کشورهای مجاور نیز تعمیم یافت. کشاورزان نیجریه مانند بسیاری از خرده مالکان آفریقایی، مدتها به دلیل فروش سریع محصولاتشان پس از برداشت یعنی زمانی که قیمت ها به پایین ترین حد رسیده بود، جریمه می شدند .

اولین کمک به آنها ایجاد فرصت تشکیل گروه های ویژه کشاورزان بود . سپس باید به آنها کمک می شد تا از سیستم داخلی خود اعتبار دریافت نمایند. در قالب این سیستم کشاورزان به جای فروش یکباره برداشت، از این محل بعنوان وثیقه ای برای کسب وام بانکی استفاده می کردند. با این پول آنها می توانستند نهاده های ضروری را برای کاشت بعدی خود خریداری و همچنین تولید را در فصل کم محصولی جبران کنند .

در دسامبر ۲۰۰۹ پروژه تحقیقاتی نیجریه انجام شد و بدین نتیجه رسید که مشارکت کشاورزان در افزایش درآمد برای یک مدت ششماه واقعا مؤثر بوده است و از آنجا که این قشر قادر به خرید بذر مرغوب و کود می شدند، عملکرد محصول آنها بین ۴۴ و ۱۲۰ درصد افزایش پیدا می کرد.

افزایش تولیدات داخلی

مطالعات موردی در فیلیپین : در حال حاضر چندین کشور از جمله چین، اندونزی، مالزی، فیلیپین، مالاوی، نیجریه و سنگال اقدام به افزایش تولید داخلی مواد غذایی خود بعنوان یک پاسخ استراتژیک و راهبردی در مقابل قیمت بالای مواد غذایی نموده اند. بطور مثال، دولت فیلیپین، که زمانی بزرگترین وارد کننده برنج در دنیا بود، تصمیم گرفت تا در سال ۲۰۱۳ به خودکفائی در تولید برنج دست یابد. این کشور مصمم شد واردات خود را با اجرای برنامه تولید انبوه از بیش از دو میلیون تن در سال گذشته به کمتر از یک میلیون در سال جاری کاهش دهد که امید است این برنامه به افزایش ۱۵ درصدی در برداشت تابستان و به خودکفائی در دو تا ۳ سال منتهی گردد.

قرار است تولید برنج محلی Palay در نیمه اول سال به بیش از ۷/۶ میلیون تن (به دلیل وسعت نواحی زیر کشت و افزایش در میانگین عملکرد معمول از ۳/۶ در هکتار در سال به ۳/۸ تن در هکتار در سال ۲۰۱۱) افزایش یابد. اعمال سیستم های آبیاری صحیح، ایجاد شرایط بهتر پس از برداشت و ساخت امکانات جاده ای مناسب (از مزرعه تا بازار) بخصوص در مینداناو، جنوب فیلیپین، بخشی از برنامه ریزی ها برای رسیدن به هدف تولید برنج فیلیپین به ۱۷/۴۶ میلیون تن در سال جاری می باشد.

فیلیپین نقش بسیار زیادی در تحقق انقلاب سبز داشته است. در سال ۱۹۶۰، واریته برنج هیبرید-IR8 با هدف پایان دادن به قحطی در بسیاری از مناطق آسیا در موسسه تحقیقات بین المللی برنج (IRRI) تولید شد. این موسسه به همت دولت و با کمک بنیاد راکفلر در شهر لس بانوس فیلیپین تاسیس شد. با این واریته جدید و مرغوب، تولید برنج این کشور سریعاً به دو برابر رسید و کشور به یک صادرکننده برنج تبدیل گردید. ولی میزان افزایش تولید در سالهای بعد کافی نبود. از این رو، این کشور در سال ۱۹۹۰ اقدام به واردات ۶۰۰۰۰۰ تن برنج نمود و در سال ۲۰۰۸ این رقم به ۲/۵ میلیون تن افزایش یافت.

نقش فائو

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد با ابتکار درمورد افزایش قیمت مواد غذایی که در دسامبر ۲۰۰۰ اجرا گردید، اقدام به توزیع نهاده های اساسی از جمله انواع بذر و کود به کشاورزان خرد در حدود ۹۰ کشور نیازمند نمود، کشورهایی که از نوسان قیمت در مضیقه و نگرانی بسر می بردند.

این سازمان اخیراً با مشارکت OECD اقدام به مدیریت گروهی متشکل از ۹ سازمان بین المللی (به منظور ارائه پیشنهادات لازم برای گروه ۲۰ در زمینه نحوه مدیریت نوسان قیمت مواد غذایی) با هدف حمایت از اقشار آسیب پذیر نموده است. گروه ۲۰ توسط رئیس جمهور فرانسه آقای نیکولاس سارکوزی هدایت می گردد.

سازمان خواربار کشاورزی ملل متحد (فائو) دلایل نوسان قیمت مواد غذایی در بازارهای جهانی و ملی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و این کار را از طریق ایجاد سیستم های اطلاع رسانی و هشدار دهنده خود و نشریات نظیر "شاخص قیمت مواد غذایی"، "چشم انداز مواد غذایی" و "نظارت بر قیمت مواد غذایی" انجام می دهد.

این سازمان اخیراً اقدام به انتشار نشریه ای تحت عنوان "راهنمای سیاست گذاری و برنامه ریزی اجرایی در سطح ملی با تاکید خاص بر قیمت بالای مواد غذایی" نموده و به برگزاری یکسری سمینارهای منطقه ای و زیر منطقه ای، با هدف آگاه ساختن کشورها از سیاستها و تصمیم گیری های کلان در این بخش در سازمان پرداخته و از برنامه های اجرایی در سطوح ملی و کشوری حمایت می نماید.

افزایش سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، باید بعنوان یکی از روش های مبارزه با افزایش قیمت مواد غذایی مورد توجه قرار گیرد. فائو در سال ۲۰۱۰ به کشورها فرصت داد تا از بیش از ۵ میلیارد دلار از اعتبارات بانک های توسعه ای را به بخش کشاورزی اختصاص دهند.

فائو در سال ۲۰۱۰ مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار صرف کمک های فنی و اضطراری به بیش از ۷۰ کشور نمود.

ترجمه شده در دفتر بهبود تغذیه جامعه